نسیم جنوب
www.nasimjonoub.com
سال بیست و چهارم – شماره ۹۷۳ سه شنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۰ – ۱۰۰۰ تومان



ص ۲

مصاحبه نسیم جنوب با محسن چاهشوری هنرمند بوشهری در سالروز تولد:



این دنیا نیاز به خوبی کردن دارد

ص ۳

به مناسبت دوم مهرماه، سالروز تولد منوچهر آتشی

بهار آتشی برای بوشهر

سیدقاسم یاحسینی ص ۴



طرح از آرش دهداری

تکریم و معارفه استانداران بوشهر

عبدالکریم گراوند استاندار سابق بوشهر در آیین تکریم و معارفه استانداران بوشهر گفت: با اعتقاد به برنامه‌های دولت تدبیر و امید، خدمتگزاری صادقانه و بی منت را سرلوحه کاری خویش قرار داده و در راستای حسن انجام امور و وظایف محوله، تنها به خشنودی حضرت حق و رضایت مردم اندیشیده و لحظه‌ای از پای ننشسته ام.

سردار احمد محمدی زاده استاندار جدید بوشهر نیز در این مراسم گفت: جامعه دانشگاهی این آسیب شناسی را داشته باشد که چرا با تمام خدمات و دستاوردهای صورت گرفته هنوز در بین عمده افراد نارضایتی نسبت به این خدمات ارزنده وجود دارد. یکی از عواملی که باعث این وضعیت شده این است که به عدالت درست عمل و فکر نکردیم چرا که تحقق عدالت رضایت اجتماعی را حاصل می کند.

در این آیین که با حضور وزیر کشور برگزار شد با تجلیل از عبدالکریم گراوند، سردار احمد محمدی زاده به عنوان استاندار جدید بوشهر معرفی شد.

علیرضا صمیمی دروازه بان بوشهری تیم ملی فوتسال ایران در مصاحبه با نسیم جنوب:



ص ۲

کشتار هزاران تن آبزیان در سایه صید میگو

حسین شادکامی
ص ۲

میزان تخلیه و بارگیری در بندر بوشهر ۱۰ درصد افزایش یافت



مدیرکل بنادر و دریانوردی استان بوشهر گفت: در ۶ ماه نخست امسال میزان تخلیه و بارگیری در بندر بوشهر افزایش ۱۰ درصدی داشت .

به گزارش ایرنا، سیاوش ارجمندزاده در جمع خبرنگاران افزود: در مدت یاد شده در مجموع یک میلیون و ۹۳۶هزار ۲۲۸ تن کالای نفتی و غیر نفتی در بندر بوشهر تخلیه و بارگیری شده‌است.

وی بیان کرد: از این میزان یک میلیون و ۲۸۱ هزار و ۵۰۰ تن مربوط به بخش غیر نفتی و ۶۵۴ هزار ۷۲۸ تن نفتی است.

ارجمندزاده ادامه داد: در این مدت تخلیه و بارگیری کانتینر در بندر بوشهر ۱۹ هزار و ۷۰۰ تی ایی یو گزارش شده‌است که از این میزان ۱۵ هزار و ۱۵۵ تی ایی یو مربوط به کانتینر پُر و چهار هزار و ۵۴۵ تی ایی یو مربوط به کانتینر خالی است که افزایش ۱۰ درصدی نسبت به مدت مشابه پارسال دارد.

وی ادامه داد: در بازه زمانی نیمه نخست امسال، شمار شناورهای ورودی به بندر بوشهر یکهزار و ۲۰۸ فروند بوده که از این میزان ۲۶۳ فروند مربوط به شناورهای بالای یکهزار تن و ۹۴۵ فروند مربوط به شناورهای زیر هزار تن است.

ارجمندزاده، تعداد شناورهای خروجی از بندرهای استان بوشهر را در ۶ ماه ابتدای امسال، یکهزار و ۱۰۱ فروند عنوان کرد که از این میزان ۲۱۵ فروند به شناورهای بالای یکهزار تن و ۸۸۶ فروند به شناورهای زیر یکهزار تن مربوط است.

مدیرعامل باشگاه شاهین بوشهر:

حضور تیم فوتبال شاهین بوشهر در لیگ دسته یک قطعی شد



مدیرعامل باشگاه شاهین شهرداری بوشهر گفت: حضور این تیم در لیگ دسته یک فوتبال کشور قطعی شده و تمرین‌های آن تا ۴۸ ساعت آینده آغاز می‌شود.

سعید مسیگر در گفت و گو با ایرنا افزود: در این ارتباط با ارسال نامه‌ای به فدراسیون فوتبال آمادگی تیم برای حضور در لیگ یک اعلام شده که پس از انجام قرعه کشی حریفان این تیم در لیگ مشخص می‌شود.

مسیگر ادامه داد: در این ارتباط از تلاش‌های شورای اسلامی و سرپرست شهرداری بوشهر و حمایت‌های پیشکسوتان و هواداران برای فراهم‌سازی حضور تیم در لیگ یک قدردانی می‌شود.

وی یادآور شد: براساس اعلام سازمان لیگ فوتبال ایران، لیگ دسته یک فوتبال ۱۹ مهر ماه جاری ۱۴۰۰ آغاز می‌شود. تیم فوتبال شاهین بوشهر درفصل ۱۳۹۹-۱۳۹۸ لیگ برتر فوتبال با مجوزی که وزارت کشور به شهرداری این شهر داد، در حمایت شهرداری بوشهر قرار گرفت و با عنوان شاهین شهرداری بوشهر در این رقابت‌ها حضور یافت. این مجوز یکساله بود و وزارت کشور هم در نامه خود تاکید کرده بود باید حداکثر تا پایان فصل زمینه واگذاری تیم به بخش خصوصی فراهم شود. در پایان فصل شاهین به لیگ دسته یک فوتبال سقوط کرد و خبری از واگذاری هم نشد.

کشتار هزاران تن آبزیان در سایه صید میگو

حسین شادکامی -
کارشناس صید و بهره برداری



خلیج فارس دارای اکوسیستم بی نظیر و کمیاب از انواع و اقسام گونه های جانوری (گیاهی- حیوانی)که از قدیم تا به امروز توانسته پروتئین مورد نیاز ساحل نشینان را تامین نماید و مازاد بر معیشت به سوی تجارت جهانی سوق داده شود. به دلیل تنوع در زیست گونه های آبزیان سلیقه های مصرف را متنوع ساخته و تاثیر بسیاری بر روی برداشت ذخیره از خود بجای گذاشته است.

در فصل صید میگو تنوع زیستی مختلط از انواع آبزیان ریز و درشت که فرآیند رشد و نموی متقابل را در چرخه زنجیره غذایی بسر می برند. چرخه همزیستی توسط ابزار ترال میگوبی (گوفه: که به صورت مخروط قیفی شکل در حال حرکت رو به جلو به هر موجودی که در مسیرش قرار می گیرد. درون کیسه تور از آب فیلتر می کند.) و به



عنوان صید حاصله از بین می برند. لذا با توجه به داده های آماری پروژه تعیین ترکیب صید ضمنی در تور ترال میگوبی در فصل صید (سال ۱۳۹۷پژوهشکده میگوی کشور) در آبهای استان بوشهر بیش از ۸۷ درصد از کل میزان صید غیر قابل مصرف و دور ریز قلمداد می گردد که به عنوان ضایعات به دریا ریخته می شود و این شوک زیستی موجب بحران در چرخه حیات اکوسیستم آبزیان وارد می سازد که گونه های بالغ و نابالغ غیر مصرفی (گربه ماهیان، سفره ماهیان، ماهیان یال اسبی، کوسه ماهیان، مارماهیان، یلی ماهیان، چغوک ماهیان، انواع خرچنگ ها، صدفها، حلزون ها، نرمتنان و...) و گونه های ریز ونابالغ تجاری (شوریده، قباد، شیر، شانک، سنگسر، سرخو ماهیان ، هامور ماهیان، کفشک ماهیان، حلوا سفید، حلواسیاه، کوتر، زمین کن، ساردین، گواف، خارو، شورت، گیش ماهیان،عروس ماهیان و...) که غیر قابل مصرف می باشد و توسط ترال از گردونه حیات زیستی خارج می سازد.

همچنین بر اساس پژوهش فوق به ازای هر کیلو میگو بیش از ۸ کیلو انواع و اقسام آبزیان (ریز و درشت) دورریز قلمداد می گردد که جبران آن در ساختاری اکوسیستم سالیان سال قابل جبران نخواهد بود و به دنبال این روند صنعت صید و بهره برداری را به چالش ذخیره ومدیریت صید را با تنگناه های (اقتصاری، اجتماعی و سیاسی) در آینده روبرو خواهد کرد .

علیرضا صمیمی دروازه بان بوشهری تیم ملی فوتسال ایران در مصاحبه با نسیم جنوب:

در بوشهر فوتسال نابود شده

مصاحبه از مهدی صالحی زاده

- از وضعیت تیم ملی فوتسال ایران و شرایط آمادگی خودت صحبت کنید؟

- بعد از تورنمنت تا این که با قهرمانی ایران پایان یافت و شرایط خیلی خوبی را پشت سر گذاشتیم و بعد از آن دو هفته تمرین کردیم و پس از آن به بلاروس اعزام شدیم و در آن جا دادیم که هر دو بازی را بردیم. فعلا ۸۰ درصد آماده ایم، ۲۰ درصد دیگر انشاءالله تا شروع اولین بازی برابر صربستان با تمام قدرت آماده بازی های جام جهانی خواهیم شد.

- از تیمهای گروهتان صربستان، آمریکا و آرژانتین بگو؟

- صربستان از تیمهای خوب اروپا است که توسط یک برزیلی هدایت می‌شود تیم تاکتیکی به شمار می رود آمریکا هم نایب قهرمان منطقه خودشان است و تیمی قوی و تیم ارژانتین که دوره قبل قهرمان جهان شد. پس در گروه ساده‌ای قرار نگرفته ایم.

- با توکل به خدا که از گروه صعود کنید در مرحله بعد با چه گزینه ای روبرو خواهید خواهید شد؟

- هدف این است که به عنوان تیم دوم صعود کنیم به احتمال زیاد به ازبکستان یا مصر رو به رو خواهیم شد انشا الله در هشت تیم هم به قزاقستان می‌خوریم.

- پس برزیل چه؟

- اگر در جمع چهار تیم بالا بیاییم به احتمال قوی به برزیل یا اسپانیا صف آرایی خواهیم کرد.

- امید است مثل جام جهانی قبل که سوم جهان شدیم به جمع چهار تیم صعود کنیم.

- علی آقا از این که سومین جام جهانی است که شرکت می کنید از این بابت چه احساسی دارید؟

- اگر دهمین جام جهانی هم باشد احساس خوبی خواهیم داشت. حضور در جام جهانی شرایط خاص خودش را دارد و بالاخره یکسری تازگی ها و سورپرایز هایی وجود دارد که انسان را به وجد می‌آورد.

- به نظر خودت در چند جام جهانی دیگر می توانی از دروازه تیم ملی محافظت کنی؟

- توکل بر خدا هرچه خدا بخواهد من آدمی نیستم که از الان به فکر آینده باشم که برای سال آینده برنامه ریزی کنم. انشالله با موفقیت این جام جهانی را پشت سر بگذارم بعد در این خصوص تصمیم را خواهم گرفت.

- تنها چیزی که در کلکسیون افتخارات دیده نمی‌شود دستکش طلای جهانی است. در این رابطه چه نظری دارید؟

-این مهم آرزوی همیشگی ام بوده که دستکش طلا را کسب کنم. در جام جهانی قبلی (۲۰۱۶) تا یک قدمی این دستکش رفتم ولی متاسفانه نفر دوم شدم. در این سری از مسابقات بایستی طوری گلری بگیرم که از بهترین ها باشم و به آرزویم برسم. دوست دارم با لطف خدا و کمک بچه های تیم ملی به این آرزو برسم.

- با موضوع لژیونر شدنت چه کار کردی؟

- والله دو سال پیش از تیم کیومنت روسیه پیشنهاد داشتم ولی چون با تیم مس تبریز قرارداد داشتم این امر میسر نشد. من افتخار می‌کنم که در تیم مس بازی می کنم چون این تیم با شخصیت و قهرمان چهار دوره لیگ برتر و یک دوره قهرمان باشگاه‌های آسیا شده است. اگر در حال حاضر پیشنهادی خوبی دستم برسد اول باید باشگاه مس تصمیم بگیرد اولویت من تیم مس است که تیم من رضایت بدهد دوست دارم فوتبالم را در خارج کشور ادامه دهم.

- به عنوان یک بوشهری موفق چه صحبتی با مردم استان بوشهر داری؟

- مردم استان بوشهر همیشه نسبت به بنده لطف داشتند و انشاءالله در این جام جهانی هم با دعای خیرشان مرا یاری کنند تا بتوانم نماینده کوچک و شایسته‌ای از جامعه بزرگ بوشهر باشم.

- چه گپ و یا درد دلی با خانواده ات داری؟

- خانواده همیشه حامی من بوده‌اند و ان‌شاءالله بتوانم به نحوی کار کنم که قدردان زحماتشان باشم.



- از آخرین صحبتهای پدرت بگو.

- من هر شب با پدرم صحبت می‌کنم و او مرا راهنمایی می‌کند چند شب پیش بهم گفت علی همیشه خودت باش کسی باش. نمی خواهد جای کسی باشی و یا برای کسی بازی کنی. اگر برای خودت باشی مثمرثمر خواهی بود.

- مسئولین ورزش و جوانان استان و کسی از اهالی هیئت فوتبال با شما تماسی داشته است؟

- چند روز پیش با آقای محتشم رئیس هیئت فوتبال بوشهر صحبتی داشتم.آقای بهروزیان فرد خودشان یا معاونین شان همیشه به من لطف داشتند.

- از مسئولین ورزشی استان یا به قول فوتبالی چه انتظاری دارید؟

- این موضوع را به عنوان یک درد دل عرض می‌کنم ما می‌گوییم در استان تیم داریم و بازیکن داریم ولی تا چیزی به نمایش نگذاریم قبول نیست. همه می گویند فوتبال برای جنوب است، برای بوشهر و خوزستان این موضوع بایستی در عمل ثابت شود نه در حرف.

الان در بوشهر فوتسال نابود شده بایستی بیشتر کار شود تا تیمی با تیمهای قدرتمند وارد مسابقات کشوری شوند. می‌توان با یکسری سرمایه گذاری کوچک تیم خوبی را روانه بازی‌های مهم کرد.

هر هفته یک شاهکار از ستاره بوشهری پورتو

گل طارمی از یک کیلومتری

توپ ربایی سریع و شوتی دقیق، گلی استثنایی را به همراه داشت؛ زننده گل کسی نبود جز ستاره ایرانی، مهدی طارمی.

به گزارش "ورزش سه"، پاس کم‌جان پدرینیو کافی بود تا جرقه یک حرکت تند و تیز را در ذهن مهاجم پورتو بزند. پس او استارتی سریع زد و با یک نوک‌پا توپ را از مدافع ژیل ویسنته رد کرد و از طرف دیگر به سراغ توپ رفت و در شرایطی که فاصله چهل متری با دروازه داشت، شوتش را روانه زیگا فرلیه گلر بدشانس و جلو کشیده حریف کرد؛ کسی که قرار بود بهترین گل هفته را از مهدی طارمی دریافت کند.

شوت شجاعانه مهدی طارمی آسمان زمین ژیل ویسنته را طی کرد و از بالای سر دروازه‌بان اسلوونیایی گذشت و در کمال ناباوری از خط دروازه گذشت و تبدیل به گل شد.



گل در شرایطی به ثمر رسید که کسی باور نمی‌کرد یک پاس آرام در میانه زمین، زمینه‌ساز چنین گلی شود اما طارمی با ذکاوت، هوشمندی و البته آمادگی فوق‌العاده‌اش گلی را به ثمر رساند که احتمالا مدت‌ها سوژه رسانه‌های پرتغالی خواهد شد و هیچ بعید نیست که نامزد گل برتر سال در پرتغال یا فراتر از آن شود.

طارمی در حالی در دومین بازی متوالی موفق به گلزنی شد که بازی بعدی پورتو مقابل لیورپول است و قطعا یورگن کلوپ و شاگردانش بازی امشب پورتو و هنرنمایی او را تماشا کرده یا خواهند کرد - یک خط و نشان تمام عیار در آستانه دیداری حساس.

این چهارمین گل فصل مهدی طارمی محسوب می‌شود که او را در قدمی صدر جدول گلزنان لیگ پرتغال و لوییز دیاز قرار می‌دهد. طارمی در بازی هفته گذشته تیمش پس از دو هفته ناکامی توانست دبل کند و روی یک ضربه پنالتی و یک موقعیت ریباند دو گل برای تیمش بزند و حالا خود را ۴ گله کرده است.

مصاحبه نسیم جنوب با محسن چاهشوری هنرمند بوشهری در سالروز تولد:

این دنیا نیاز به خوبی کردن دارد



–لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید

–بنام خدا با سلام و درود به عزیزان دلم، مخاطبین شاد و بی نظیر نسیم جنوب. با یک هایکو استارت می زنَم، خودم رو معرفی کردن.

عکس قدیمی
سال هاست شاداب مانده
این نرگس زرد

محسن چاه شوری هستم ۳۴ سالمه، یه شهریوری خاص و ناب متولدِ بندر زیبای بوشهر، همسایه خورشید که بی شک بهش افتخار می کنم.

– از فعالیت های هنری خود بگویید.

– حقیقت من در فعالیت های هنری که داشتم و الانم در اون فعالیت می کنم موسیقی هست، بازیگری تئاتر و سینما و تلویزیون هست، نویسندگی هست که در شاخه ی داستان نویسی کوتاه بومی و در زمینه ی شعر کوتاه ژاپنی به نام هایکو کار می کنم.

–به چه کاری مشغول هستید؟

– جایی که مشغول به کار نیستم و بیکارم و آزادم از هفت دولت و بیشتر به فعالیت های هنریم می پردازم، یا هایکو می نویسم یا داستانی و یا به گروه موسیقی محلی که دارم رسیدگی می کنم.

– چند سال است این گروه موسیقی را دارید؟

–حدود ۱۳ ساله این گروه محلی رو برپا کردم، بنام گروه موسیقی محلی مینار که به سرپرستی و خوانندگی خودم اداره میشه.

–در فعالیت هنری چه کسانی مشوق شما بوده و از شما حمایت کرده اند؟

– حمایت که خدا را شکر کسی نکرده، ولی خوب خدا بوده، بعد خانواده ام و بعد تلاش خودم.

– در چه تاتر و فیلم هایی ایفای نقش کرده اید؟

– تئاتر که زیاد کار کردم. من از سال ۸۴ کار تئاتر را با کریم آبادی شروع کردم تا الان که در کار جدید مارال ایزدبخش مشغولم و در فیلم هم که معروفت ترینش ترویست بوده و تیکاف که ساخته احسان عبدی پور کارگردانی جوان و خوش ذوق این دیارمون هست، بازی کردم.

–نقش مورد علاقه ات کدام بوده است؟

– نقش هایی که به من داده می شد بخاطر شرایط فیزیکی و خاصی که دارم همشون باحال و دوست داشتنی هستند، ولی یه کار تأتری از





پیام شادنیا بنام «امواج ناشناخته» بود که من در نقش دیدبانِ کشتی دزدان دریاییِ ایفایِ نقش می کردم. این شخصیت دیدبان خیلی فضول و چابکُ بود. یه دکل دیدبانی طراحی شده بود که از سقف پلاتو آویزون میشد که من باید هر ۱۰ دقیقه ای یه بار بیومد پایین با پله ای متحرک چوبی و این کار هم سخت بود برام و هم هیجان داشت. اینو خیلی دوست داشتم.

– محسن چاه شوری چه نگاهی به زندگی دارد؟

–نگاه بی برو برگرد. ما مجبوریم زندگی کنیم در این دنیای رنگارنگ، چه خوب چه بد. این دنیا نیاز به خوبی کردن و خوب زندگی کردن داره ولی باید راهش رو بلد باشیم. من به شخصه که با معلولیت دوتا پا دارم و با تمام مشکلات و سختی هایی که سر راهم قرار گرفتن دارم زندگی می کنم و به این زندگی نگاه خوبی دارم، چرا که اگه منفی باشیم خودمون ضرر می کنیم. پس شاد باشیم، دلی رو بدست بیاریم و خوبی کنیم تا نام نیک برجا بزاریم.

– محسن چاهشوری دوست دارد چگونه در ذهن مردم شناخته شود و چگونه از وی یاد کنند؟

– به خوبی، به با مرامی و با معرفتی و خصوصا شوخ طبعی. هرجا گفتند محسن چاه شوری داره میاد یا یادم می کنند جایی، چیلا هم فچ بشه از شادی و دل خوشی، ای حالت برام خوشایند و زیبان. کلا به خوشی و خوبی یادمون کنن بی شک برا همه خوشایندن.

– یک خاطره شیرینی از فعالیت هنریت بگو.

– در هنر همیشه خاطرات شیرین و بیادماندی رخ میده، ولی شیرین ترینش کسب بازیگری اول جشنواره تأتر منطقه بندرعباس بود که شبی زیبا برام رقم زد.

– یک جمله درباره بوشهر؟

–بوشهر جهانی جدا از این جهان فعلی.

– چه آرزویی در زندگی دارید؟

– آرزو فقط سلامتی مردم و بعد خانوادم و بعد خودم که هیچ چیز بهتراز سلامتی نیست.

–دوست دارید در جشن تولد شما چه کسانی باشند؟

–از شخصیت های هالیوودی کیت هرینگتون دوس دارم باشه و ملی هم همایون شجریان و از شخصیت های هنری بوشهر هم احسان عبدی پور.

–در جشن تولدتان کدام شعر و آهنگی را اجرا می کنید؟

–اگه محلی باشه که خودم بخونم شعر «هله دان» از محمود جهان می خونم چرا که خاطرات رو همیشه برام زنده می کنه این موزیک.

–سخن پایانی؟

– اول تشکر می کنم از نسیم جنوب بابت این مصاحبه، خیلی ممنونم از محبتتون انشاالله موفق باشید در کارتون و در آخر آرزوی سلامتی برای همه عزیزانم دارم همه مردم شهرم بوشهر، تا می تونید خوبی کنید دلی به دست بیارید و دلی رو شاد کنید تا در آرامش سپری کنید این زندگی روُ. از خدواند بزرگ هم می خوام که این ویروس کرونا رو از کل دنیا ببره تا مردم به زندگی عادیشون برگردند.

بوی مهر از پس دیوارها

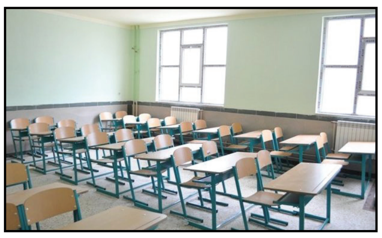
هلنا سعادتمند



با دقت خرماهای دانه دانه جدا کرده و شسته شده را در سینی پهن می کرد تا آفتاب تنشان را حسابی گرم کند.

مرغ خیالش پرکشید به آن دورها، آن وقت ها که در چنین روزهایی استرس روپوش هنوز آماده نشده مدرسه اش را داشت و دیدن دستان مهربان مادر که خرماهای گرم را با کمی پودر زنجبیل می پاشید و می گفت عطر زنجبیل بین دانه های خرما عجیب طعمی دارد، آسمان ابری را که می دید می گفت: گِل اَنبو خبر کن برای آنهایی که باید پشتِ بامشان را ترمیم کنند. یعنی بشتابید که فصل باران نزدیک است.

انگار همین دیروز بود بوی گل و کاهی که با آب قاطی می شد و چه مهربانانه همه به



کمک هم می شتافتند و دلخوش به ناهاری که دور هم و با صمیمیت خورده می شد.

تکه ابری جلوی خورشید را گرفت و دستش را که سایبان چشمانش کرده بود، برداشت و آهی کشید.

یعنی امسال هم دخترکش طعم هیاهوی مدرسه، نیمکت و همکلاسی ها را نخواهد چشید؟ لعنت بر کرونا!

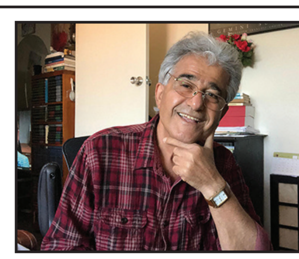
نسیم ملایمی مادرانه صورتش را نوازش کرد، تکه های ابر در آبی آسمان چون دامن گلدار زنی در حال حرکت بودند و هر از گاهی جلو خورشید را می گرفتند.

لبخندی زد و واندیشید!

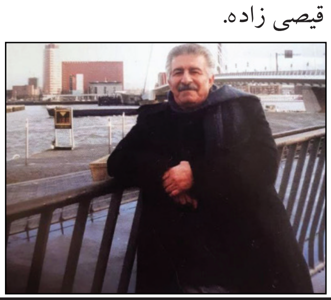
آری، باز هم بوی ماه مهر در کوچه ها می پیچد، باز هم آغوش مدرسه پر می شود از هیاهوی دانش آموزان و فصل عاشقی آغاز می شود.... .

پائیز مبارک

یاد آتش برافروخته ابدی بوشهر، منوچهر آتشی گرامی باد



دکتر محمود دهقانی: هنرمندان شاعر، پیشینه نگاران و نویسندگان بوشهری بویژه شادروان منوچهر آتشی بیشتر از یک معمار کلنگ به دست و کارگر بیل و بیلچه به دست، به ساختمان ادبی فرهنگی بندر پیر بوشهر خدمت نمودند. اگر حافظ و سعدی شهر شیراز را مرغزار گردش فرهنگ دوستان سراسر کشور نمودند، منوچهر آتشی و پس از ایشان باباچاهی، چوبک، روانی پور و ... بوشهر را همچون دلاوران تنگستانی به سراسر کشور شناساندند و این بندر پیر را لنگرگاه ادب نمودند. بر رسانه ها، هفته نامه ها و در کاکل همه نسیم جنوب بوشهر برای پاسداشت نام شاعر بلند آوازه منوچهر آتشی باید درود فرستاد. زنده باد فرهنگ، زنده باد قدرشناسی و درود بر دست اندرکاران نسیم جنوب بوشهر به ویژه دکتر یونس قیصی زاده.



لباس فرم دانش آموزان دغدغه والدین!



رضا سیاهوشی: برگزاری کلاس های مجازی و تحمیل هزینه لباس فرم دانش آموزان بر خانواده ها باعث اعتراض بسیاری از مردم و به خصوص خانواده هایی شده که بضاعت مالی خوبی ندارند.

لذا پیشنهاد می گردد که مدیران آموزش و پرورش نسبت به این موضوع ورود نموده و این هزینه اضافی که سال گذشته هم انجام گرفت و هیچ استفاده ای از آن نگردید، امسال حذف نموده تا شرایط و وضعیت این کرونای لعنتی که موجب فشارهای مالی بر بسیاری خانواده ها شده، مشخص و از بین برود و در فرصت مناسب برای دانش آموزان و لباس فرم آنان تصمیماتی گرفته شود.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰،
دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
صندوق پستی: ۱۱۹۹ لیتوگرافی و چاپ: کارگر



غزل سوری

به یاد، منوچهر آتشی

مرتضی زندپور



آتشی در دل پوسیده ی این خاک افتاد
غرشی کرد زمین رعشه بر افلاک افتاد

چون پلنگی که درآن "دره ی دیزاشکن "بود
خنده ای کرد بر این دهر و چه بی باک افتاد

تن ظلمتکده در شعله ی آتش می سوخت
سر برون کرد "گل سوری"و غمناک افتاد

پنجه در پنجه شب دوخت دمی ،"مرغ سحر"
قطره ای خون ز دو دستش به لبی چاک افتاد

گر چه زخمی است زدشمن به تن "عبدوی جط"
شور مستی به تنی سرخ و طربناک افتاد

آمد آن یار سفر کرده به منزلگه خویش
گشت پاگاه هنر زمزمه در تاک افتاد

"آتشی" خفت در آن جای که آتشگه شد
این خبر در دل کهسار به پژواک افتاد

سه لبخند در یک قاب

غلامحسین دریانورد



یک معلم، دو دانش‌آموز و سه لبخند در یک قاب. در اسفند ماه سال ۶۰ در حال و هوایی بهاری یک بندر. عبدالرحیم، علیرضا و گمانم ناصر رفته بودند تهران برای این که به تشکیلات دانش‌آموزی انجمن‌شان نظمی بدهند. ما چند روز قبل آن از رفته و در شیراز منتظر اعزام به اهواز بودیم برای عملیاتی که حالا می‌دانیم قرار بوده است راس ساعت بهار در منطقه شوش شکل بگیرد و گرفت.

فروردین سال ۶۱ ماهی شده سراسر از روزهایی که مردم منتظر عزیزی بودند تا او را باز و باز و... با پای پیاده تشییع کنند و پیکر او را در گلستانی از شهدا به خاک بسپارند سه نفر از آنان همین صاحبان این لبخندها بودند: محمد غلامی معلم و ناصر داودی و عبدالرحیم احمد زاده دانش‌آموز.

به مناسبت دوم مهرماه، سالروز تولد منوچهر آتشی

بهار آتشی برای بوشهر

سیدقاسم یاحسینی



منوچهر آتشی پائیزانه زیست! در پائیز آمد، دوم مهر ماه ۱۳۱۰، و در پائیز هم رفت، ۲۹ آبان ۱۳۸۴. دو سالی از شناسنامه اش بزرگتر بود، کما این که برای استان کوچکی چون بوشهر هم بزرگ بود. «از اهالی امروز» هم بود! در این سالهای بدون آتشی من کم مقاله ننوشته و سخنرانی نکرده ام. خوشبختم که اتوبیوگرافی (خود شرح حال) او را هم بنده تهیه کردم، در قالب یک گفتگوی بلند که در سال ۱۳۸۴ با عنوان «آتشی در مسیر زندگی» توسط انتشارات شروع در بوشهر چاپ شد و هنوز هم در همان چاپ اول مانده است!

در این «سالهای بدون آتشی»، من از ابعاد مختلف و در مجالس گوناگون درباره ابعاد مختلف زندگی شخصی و کارنامه فکری و ادبی او سخن گفته و قلم زده ام، از «آتشی شاعر» و «آتشی مترجم» و «آتشی نمایشنامه نویس» و حتی «آتشی بازیگر فیلم» گرفته تا «آتشی معلم»، «آتشی روشنفکر»، «آتشی ژورنالیست» و چندین آتشی ریز و درشت دیگر!

منوچهر آتشی در ادبیات معاصر جنوب ایران، همان نقشی داشت/دارد که نیما در شمال ایران ایفا کرد. آتشی خود را شاگرد و پیرو نیما می دانست. گرچه در غزل و قصیده و دوبیتی هم ید طولایی داشت و غزل را به قول خودش سعدیانه و حافظانه می سرود، اما عمده اشتهارش به شعر نو و نیمایی بود. او را باید از جمله پیشگامان بومی سرایی در شعر جنوب نامید. کافی است دو کتاب اول شعرش را، «آهنگ دیگر»، (۱۳۳۸) و «آواز خاک»، (۱۳۴۶) و حتی «دیدار در فلق»، (۱۳۴۸) را بنگرید تا به خوبی تشخیص بدهید منوچهر شاعر تا چه اندازه تحت تأثیر فضا، اقلیم، جغرافیا و البته فرهنگ و آئین هایی جنوبی بوده است. او حتی این توان را داشت تا مسائل و زد و خوردهای روزمره سیاسی - اجتماعی روز مناطق روستایی را ساحت اسطوره بخشیده و به ماندگارترین شعرهای حماسی - تراژدیک معاصر تبدیل کند، نگاه کنید به شعرهای «اسب سفید وحشی» و «ظهور»، (عبدوی جط) و «عمو فایز»...



ایستاده از راست: علی بصری، محمد آتشی، ماشاله رضازاده، منوچهر آتشی، ناصر علیخواه، محمد رضا نعمتی زاده. نشسته: عزیز رضازاده

بدون هیچ تردید منوچهر آتشی از دهه سی تا نیمه اول دههٔ هشتاد قرن چهاردهم شمسی، برجسته ترین، معروف ترین و مشهورترین روشنفکر و شاعر بوشهری در سطح ایران بود. اگر از من، به عنوان یک مورخ و بوشهرشناس پرسیده شود مشهورترین شاعران بوشهری در سطح تاریخ ادبیات معاصر ایران چه کسانی هستند بدون تردید نام سه نفر را خواهم برد: فایزدشتی، منوچهر آتشی و علی باباچاهی.

اما ما با منوچهرمان چه کردیم؟ انقلاب که شد رادیکالها و تندروها او را از کار در روزنامه «سروش» بازداشتند و خانه نشین کردند! حتی حقوق بازنشستگی او را قطع کردند! رها و گرسنه، چندی در تهران ماند، اما وسوسه کوه های پُشت کوه، پلنگ های درهٔ دیزاشکن و طعم شرجی و گرمای بوشهر، آتشیِ میانسال را از تهران و پایتخت نشینی به بوشهر کشاند، همان شهری که عاشقش بود و عاشق هم مُرد.

چندی «دوستان قدیمی» در پالایشگاه جم (ولیعصر فعلی) کاری کوچک برایش دست و پا کردند. دل خوش به آب باریکه و تکه نانی برای خود بود. نان بازویش را می خورد و صدها شعر می سرود. حتی ده ها شعر از شاعران کُره ای ترجمه کرد. گاهی غزل هم می گفت. شبی که به منزل ما آمد، غزلی که تازه در روستای جم سروده بود را برایم خواند. غزلی که به یک معنا می توان تاریخ نمادین ناکامی روشنفکری در ایران و شخص آتشی نیز قلمدادش کرد:

چه مایه شوق، شگفتا در این سپنجی جای
مرا به پای سفر گشته این چنین زنجیر
قفس به وسعت دنیا اگر بُوَد، قفس است
چنان که مرغ گرفتار اگر همای، اسیر
که خواهد آمد؟ کی می رسد؟ چه خواهد گفت؟
که کس نگفته و نشنیده ای به دیّ و پَریر!
افق تهی است، میاویز چشم خسته در او
سراب تافته را بر کهٔ زلال مگیر!
نه هر چه، بال و پَر او را عقاب و سیمرغ است
نه هر که نعره زَنَد هست در مقام بشیر
زچرخ چاره نجویی که مهر و ماه بلند
به سر دوند بر آونگ آن فلاخن گیر
نیاز بر در نودولتیان مبّر زنهار
که زر نیابی و مانی، از آبروی فقیر. (تأکید از من است).

اما باز همان «نارفیقان»، که آتشی در عبدوی جط از آنان نالیده بود، نگذاشتند آبِ خوش از گلویش پائین برود و از کار و کارگری دَر پالایشگاه اخراجش کردند. منوچهر چند صباحی دفتردار یک مؤسسهٔ ساختمانی در بوشهر شد! چه شغل شاعرانه ای! اما باز...

منوچهر ده سال آخر، سال های سختی را گذراند. هفتاد و چند ساله بود که برادرش باقر را، که آتشی در منزل او زندگی میکرد، چون خود خانه و کاشانه مستقلی نداشت، از دست داد. شهر برای منوچهر به قفس تبدیل شد. جای جای خانه و شهر بوی برادر می داد و این برایش تحمل ناپذیر بود. بیکاری و فشار اقتصادی هم بود. همّت چند روزنامه نگار و «دوستان قدیمی» تا حدودی گره گشای وی بود.

منوچهر پیرانه سر و در حالی که هفتاد را هم سپری کرده بود، باز ناچار از مهاجرت از شهر مادرزادی شد و رهسپار دیار غربت گشت. از اقبال خوب، در تهران و در چند سال مانده به عمرش، اندکی قدر دید. دوستان هنرمند، شاعر و نویسنده دورش ریختند و کمی تا قسمتی هوایش را داشتند. برایش حرمت قائل شدند. در «کارنامه» کاری گرفت و سرانجام هم «چهره ماندگار» شد.

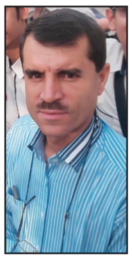
اما منوچهر زائیده پائیز، تقدیرش برگهای زرد شده و خشک پائیزی و فصل برگ ریزان بود. اندکی پس از چهره ماندگار شدن، بیمار شد و چند روز بعد در بیمارستانی در تهران، سلام حضرت عزرائیل را پاسخ داد! ولی آن «نارفیقان» حتیَ بر پیکرش نیز رحم نکردند. «فردی ذی نفوذ» در دَم و دستگاه! کارها کرد تا حتی جسد آتشی را به بوشهر نیاورند و در خاک شرجی زده شهرش به خاک نسپارند. اما خوشبختانه چنین نشد. مردم بوشهر در تشیع جنازه باشکوه شاعر بزرگ شهرشان نشان دادند که قدردان فرزندان آزاده خود هستند. آتشی را در کنار مقبره شیخ حسین خان چاهکوتاهی، قهرمان شهیدِ مبارزه با امپریالیسم انگلیس در جنگ جهانی اول، به خاک سپردند.

در پائیز آمد و در پائیز رفت، اما بهار، طراوت و «اسب سفید وحشی» را به شعر بوشهر و ایران هدیه کرد.

به یاد شادروان عبدالرحیم رهسپار

در سوگ باران!

دلنوشته دانش آموز دیروز ، دکتر ابوالقاسم عمرانی فر



دوران دبستان یه دانش آموز معمولی بودم، سال ۶۷ دوره راهنمایی را در روستای آباد شروع کردم پس از چند ماه مدرسه را رها کردم تا این که مهر سال بعد شروعی متفاوت داشته باشم؛

بعضی معلم ها دیگه نبودند و به ویژه اینکه معلم ریاضی جدیدی داشتیم و من در سال نو تحصیلی نسبت به بقیه دست بالاتر را داشتم و عدو شده بود سبب خیر!

معلم جدید ریاضی جوان خوش قیافه با انگیزه پرتلاش و پر حرارت و دلسوز و مسلط به تدریس بود و من به پشتوانه همان عقب ماندگی حالا صاحب اعتماد به نفس شده بودم!

سه سال دوره راهنمایی تحصیلی گاه و بیگاه، بجا و نابجا، حضوری یا در جمع دیگر دانش آموزان؛ معلم ریاضی زبان به تمجید من می گشود و کراراً می گفت: عمرانی یه دکتر میشه!

در پوست خود نمی گنجیدم، بال هایم سبک بود برای پرواز هر روزه! آن قدر سبک بال که فاصله آباد چاهپیر را کفش هایم نمی فهمیدند!

و روز به روز بیشتر احساس می کردم که خیلی بلدم!! در حالی که قبلا هیچ گاه چنین چیزی به ذهنم رخنه نکرده بود! هیچ طراوات و بوی نعناع را پس از باران زیسته اید! من این گونه بودم پس از پایان کلاس ریاضی.

با پایان دوره راهنمایی تحصیلی وقتی از ده با بغچه ای وارد دبیرستان بوشهر شدم، کاملا گیج بودم –میدانی نابرابر –مثل یه آپاچی بین سفیدپوستان –گویی همه چیز را از قبل باخته بودم!

کاملا نا امید بودم که آخر هفته ای قصد روستا کردم از مسیر برازجان؛ میدون منبع سوار مینی بوس اهرم شدم از قضا همراه معلم دیروز شدم از دبیرستان پرسید و حال و روزم را گفتم! گفت تو در مسابقه علمی دهه فجر تنگستان اول شدی و استان ده شهرستان داره؛ پس تو جزء ده نفر اول مدرسه تون هستی! حرفش گرچه خیلی دور از ذهن می نمود ولی او معلم بود، او خداوندگار دانش آموز بود، او رب النوع عشق و صداقت بود، او کلامش وحیانی بود، او خود کلمه بود، او وجودش مقدس بود، او نمی توانست دروغ گفته باشد، او حرف بی حساب نمی زد؛ سخنش از عمق جان بود و بر جان می نشست!

آخرین جمله و آخرین دیدارمان بود!

گرچه نمی دانم منظورش از دکتر، پزشک بود یا نه و با وجود این که دیپلم ریاضی گرفتم سال ۷۵ در رشته پزشکی پذیرفته شدم. از آن سال تاکنون یعنی به مدت یک ربع قرن گوشه ذهنم بود که یک روز بروم مقابلش دو زانو بنشینم و هر دو دستش را بوسه باران کنم! ولی مثل حبیب آقای سوته دلان همیشه دیر رسیدیم! دریغ و درد که چند روز مانده به مهر، روزگار چه بی مهر شد،چند روز مانده به پاییز اندوه تمام پاییزها یک جا بر دل دانش آموز نشست! امروز عبدالرحیم رهسپار رهسپار شد! بدرود معلم خوش قلب و دوست داشتنی.